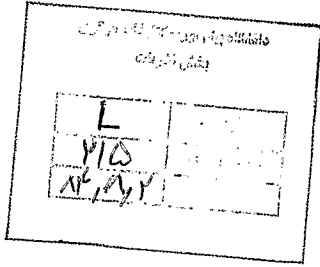


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٧٣

دانشگاه پیام نور



دانشکده علوم انسانی

گروه علوم تربیتی

عنوان پایان نامه:

بررسی مقایسه ای سبک های یاد گیری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی
در دانش آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ماکو سال تحصیلی ۸۳-۸۴

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی

استاد راهنما:

دکتر محسن طالب زاده

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا حمیدی زاده

پژوهشگر:

رمضان زاهدی

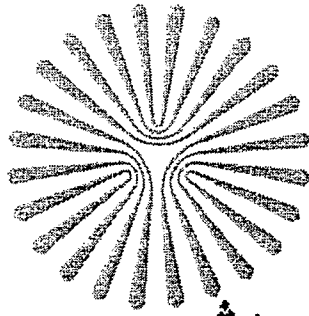
شهریور ماه ۱۳۸۴

۱۰۴۸۳۵

۳۸۷ / ۲ / ۳۳۴

۳۳۳۷ / ۲ / ۹

دفتر اطلاعات و ثبت نام
تهران



دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

بررسی مقایسه ای سبک های یادگیری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی در
دانش آموزان پایه سوم (متوسطه نظری) شهرستان ماکو در سال تحصیلی

۸۴-۸۳

تاریخ دفاع : ۸۴/۷/۲۶ نمره ففده و شصت (۱۷/۵) درجه بسیار خوب

اعضای هیات داوران :

۱- آقای دکتر طالب زاده

۲- آقای دکتر حمیدی زاده

۳- آقای دکتر ابراهیم زاده

۴- نماینده گروه آقای دکتر زندی

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داوری

زن

امضاء

تقدیم به:

همه کسانی که در انجام مراحل پایان نامه بنده را یاری نمودند.

ب

نام خانوادگی پژوهشگر: زاهدی

نام: رمضان

عنوان: بررسی رابطه سبکهای یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ماکو در سال تحصیلی ۸۳-۸۴.

استاد راهنما: دکتر محسن طالب زاده

استاد مشاور: دکتر محمدرضا حمیدی زاده

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد. رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی

دانشگاه: پیام نور دانشکده: علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی ۱۳۸۴ تعداد صفحه: ۱۴۶

learning style

کلید واژه ها:

Academic performance

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سبکهای یادگیری (تجربه عینی، آزمایشگری فعال، یادگیری شهودی، مفهوم سازی انتزاعی) با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم مقطع متوسطه اجرا شده است در این پژوهش ۲۳۵ نفر از دانش آموزان پایه سوم به روش نمونه گیری متناسب از بین دانش آموزان دختر و پسر شهرستان ماکو انتخاب شدند و آزمون سبک یادگیری کلب به منظور بررسی نوع سبک یادگیری آنان اجرا شد برای تحلیل نتایج این پژوهش از آزمون تی برای گروههای مستقل، تحلیل واریانس یک راهه و تحلیل رگرسیون استفاده گردید.

نتایج حاصل نشان داد که بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر سبکهای یادگیری (تجربه عینی، آزمایشگری فعال، یادگیری شهودی، مفهوم سازی انتزاعی) تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین رابطه بین انواع سبکهای یادگیری (تجربه عینی، آزمایشگری فعال، یادگیری شهودی، مفهوم سازی انتزاعی) با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم مقطع متوسطه بررسی شد. تحلیل رگرسیون نشان داد که دانش آموزان فقط از سبک یادگیری مفهوم سازی انتزاعی پیش بینی کننده استفاده می کنند. و همچنین تحلیل واریانس یک راهه رشته های مختلف نشان داد که بین رشته های تحصیلی ریاضی، علوم تجربی و ادبیات و علوم انسانی در انواع سبکهای یادگیری (تجربه عینی، آزمایشگری فعال، یادگیری شهودی، مفهوم سازی انتزاعی) تفاوت معنی داری وجود ندارد

تقدیر و تشکر:

سپاس بیکران، یگانه خداوندی را سزاست که لوح و قلم را مایه زینت جهان قرار داد. واقعیات و حقایق را با راهنمایی خویش بر ما ارزانی فرمود. حمد بی پایان او را سزاوار، که توفیق فرمود تا بنده بی مقدارش را به مقام تحقیق و تفحص در موضوع حاضر بر آورد هر چند که ایراداتی وافر و اشکالاتی زیاد بر آن وارد است. لایکلف... نفساً الا وسعها. در این جا لازم می دانم از جناب آقای طالب زاده که به عنوان استاد راهنما در مراحل اجرای این پایان نامه از راهنمایی های خود دریغ ننموده تشکر و قدردانی کنم، همچنین از استاد مشاور جناب آقای دکتر محمدرضا حمیدی زاده که با پیشنهادهای مفید و ارزنده در کلیه مراحل پایان نامه راهنمایی نموده اند نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

رمضان - زاهدی

اسفندماه ۱۳۸۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول/ طرح تحقیق
۲	مقدمه
۵	بیان مسأله
۹	اهمیت و ضرورت مسأله
۱۰	اهداف تحقیق
۱۱	فرضیه های تحقیق
۱۱	متغیرها
۱۲	تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها
۱۵	محدودیت‌های پژوهش
	فصل دوم/ پیشینه تحقیق
۱۷	مقدمه
۲۰	مفهوم سبک
۲۱	سبک یادگیری
۲۴	انواع سبک های یادگیری
۲۶	سبک شناختی
۲۹	ویژگیهای اساسی سبک شناختی
۳۱	پردازش اطلاعات
۳۴	انواع سبک های شناختی
۳۶	پاره ای از سبک های شناختی مهم
۴۴	نظریه سبک های شناختی
۴۵	ریشه های تاریخی سبک های شناختی
۴۷	ابعاد سبک شناختی
۴۸	سبک های شناختی کلب
۵۶	سبک های شناختی و یادگیری on – line
۵۷	کاربرد سبکهای شناختی
۵۸	راهبردهای شناختی
۶۱	اثر تقاطعی
۶۲	ابزار سبکهای شناختی

۶۳	سبکهای شناختی و یادگیری خودجهت داده شده
۶۴	تطبیق و عدم تطبیق سبک های شناختی و سبک های آموزشی
۶۵	رشد شناخت از دیدگاه پردازش اطلاعات
۶۶	سازمان شناخت و انطباق از دیدگاه پیازه
۶۹	الگوی ساخت ذهنی گیلفورد
۷۰	چند توصیه تربیتی برای رشد و پرورش تفکر واگرا
۷۲	عملکرد تحصیلی
۷۴	علل و عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی
۷۷	پیشینه تحقیقات

فصل سوم/ روش تحقیق

۹۳	مقدمه
۹۳	جامعه آماری
۹۳	روش نمونه گیری
۹۳	ابزارهای اندازه گیری
۹۷	روش تحقیق
۹۸	روش اجرا
۹۸	روشهای آماری

فصل چهارم/ تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیات

۱۰۰	مقدمه
۱۰۱	الف) یافته های توصیفی
۱۰۷	ب) یافته های استنباطی

فصل پنجم/ تحلیل یافته ها و نتیجه گیری و پیشنهادها

۱۲۳	مقدمه
۱۲۳	بحث در زمینه فرضیات تحقیق
۱۳۱	پیشنهادهاى کاربردى
۱۳۳	پیشنهادهاى پژوهشى
۱۳۵	منابع فارسى
۱۳۹	منابع انگلیسى
۱۴۵	ضمائم

فهرست جداول و نمودارها

۲۲	جدول (۲-۱) سبکهای یادگیری دو قطبی
۳۵	جدول (۲-۲) انواع سبکهای شناختی
۳۹	جدول (۲-۳) ویژگیهای فراگیران وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه
۴۹	شکل (۲-۱) الگوی چهار مرحله ای سبک شناختی
۵۴	جدول (۲-۴) سبکهای یادگیری کلب و فرای
۹۳	جدول (۳-۱) مربوط به جامعه آماری
۹۳	جدول (۳-۲) مربوط به نمونه آماری
۱۰۱	جدول (۴-۱) آماره توصیفی متغیرهای مورد پژوهش
۱۰۲	جدول (۴-۲) آماره توصیفی مربوط به میزان تجربه عینی دانش آموزان
۱۰۲	نمودار (۴-۱) توزیع پراکندگی میزان تجربه عینی دانش آموزان
۱۰۳	جدول (۴-۳) آماره توصیفی مربوط به میزان مشاهده تأملی دانش آموزان
۱۰۳	نمودار (۴-۲) توزیع پراکندگی میزان مشاهده تأملی دانش آموزان
۱۰۴	جدول (۴-۴) آماره توصیفی مربوط به میزان مفهوم سازی انتزاعی دانش آموزان
۱۰۴	نمودار (۴-۳) توزیع پراکندگی میزان مفهوم سازی انتزاعی دانش آموزان
۱۰۵	جدول (۴-۵) آماره توصیفی مربوط به میزان آزمایشگری فعال دانش آموزان
۱۰۵	نمودار (۴-۴) توزیع پراکندگی میزان آزمایشگری فعال دانش آموزان
۱۰۶	جدول (۴-۶) آماره توصیفی مربوط به میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان
۱۰۶	نمودار (۴-۵) توزیع پراکندگی میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان
۱۰۷	جدول (۴-۷) مربوط به آماره توصیفی برای دو گروه دختر و پسر
۱۰۷	جدول (۴-۸) آزمون تفاوت میانگین تجربه عینی بر حسب جنسیت
۱۰۸	جدول (۴-۹) مربوط به آماره توصیفی برای دو گروه دختر و پسر
۱۰۸	جدول (۴-۱۰) آزمون تفاوت میانگین مشاهده تأملی بر حسب جنسیت
۱۰۹	جدول (۴-۱۱) مربوط به آماره توصیفی برای دو گروه دختر و پسر
۱۰۹	جدول (۴-۱۲) آزمون تفاوت میانگین مفهوم سازی انتزاعی بر حسب جنسیت
۱۱۰	جدول (۴-۱۳) مربوط به آماره توصیفی برای دو گروه دختر و پسر
۱۱۰	جدول (۴-۱۴) آزمون تفاوت میانگین آزمایشگری فعال بر حسب جنسیت
۱۱۱	جدول (۴-۱۵) آماره توصیفی میزان تجربه عینی رشته های مختلف تحصیلی
۱۱۱	جدول (۴-۱۶) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان تجربه عینی دانش آموزان دختر
۱۱۲	جدول (۴-۱۷) آماره توصیفی میزان مشاهده تأملی رشته های مختلف تحصیلی
۱۱۲	جدول (۴-۱۸) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان مشاهده تأملی دانش آموزان

- جدول (۴-۱۹) آماره توصیفی میزان مفهوم سازی انتزاعی رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۳
- جدول (۴-۲۰) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان مفهوم سازی دانش آموزان ۱۱۳
- جدول (۴-۲۱) آماره توصیفی میزان آزمایشگری فعال رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۴
- جدول (۴-۲۲) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان آزمایشگری دانش آموزان ۱۱۴
- جدول (۴-۲۳) آماره توصیفی میزان تجربه عینی رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۵
- جدول (۴-۲۴) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان تجربه عینی دانش آموزان دختر ۱۱۵
- جدول (۴-۲۵) آماره توصیفی میزان مشاهده تأملی رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۶
- جدول (۴-۲۶) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان مشاهده تأملی دانش آموزان ۱۱۶
- جدول (۴-۲۷) آماره توصیفی میزان مفهوم سازی انتزاعی رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۷
- جدول (۴-۲۸) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان مفهوم سازی دانش آموزان ۱۱۷
- جدول (۴-۲۹) آماره توصیفی میزان آزمایشگری فعال رشته های مختلف تحصیلی ۱۱۸
- جدول (۴-۳۰) تحلیل واریانس یک سویه برای نمرات میزان آزمایشگری دانش آموزان ۱۱۸
- جدول (۴-۳۱) آزمون رگرسیون چند گانه برای تبیین میزان عملکرد تحصیلی ۱۱۹
- جدول (۴-۳۲) تحلیل واریانس رگرسیون برای آزمون رابطه خطی بین متغیرها ۱۱۹
- جدول (۴-۳۳) معادله رگرسیون و آماره های همراه آن ۱۲۰
- جدول (۴-۳۴) آزمون رگرسیون چند گانه برای تبیین میزان عملکرد تحصیلی ۱۲۰
- جدول (۴-۳۵) تحلیل واریانس رگرسیون برای آزمون رابطه خطی بین متغیرها ۱۲۱
- جدول (۴-۳۶) معادله رگرسیون و آماره های همراه آن ۱۲۱

پہلے اور

طرح و بیان مسئلہ

مقدمه:

بی تردید اعتقاد معلمین درباره ماهیت ذهن آدمی بر روشهای آموزشی آنان تأثیر دارد رفتار گرایانی که دیدگاه جان لاک را مبنی بر اینکه ذهن به صورت یک لوح سفیدی است، می پذیرند، بر اهمیت تجربه هستی در تشکیل محتوای ذهن تأکید می کنند. معلمینی که این دیدگاه را بر می گزینند هدفهای رفتاری را به کار می برند و بعد انواع تجاربی را که منجر به مطلوب خواهد شد مشخص می نمایند. معلمین پیرو نظریه های رفتاری بیشتر تدارک بینندگان تجارب تربیتی هستند. مهمترین وظیفه آنان تدارک دیدن محیطی است که نسبت به رفتارهایی که توسط آموزشگاه مهم تشخیص داده می شوند، حساس اند، یعنی آنان باید محیطی را به وجود آورند که آن دسته از رفتارهای دانش آموزان را که مطابق با هدفهای از پیش تعیین شده هستند، تقویت نمایند (هرگنهان و السون^۱، ۱۳۷۴).

نظریه پردازان شناختی باور ندارند که ذهن در لحظه تولد، یک لوح سفید است، بلکه به نظر آنان، ذهن فعال است نه فعال پذیر، ذهن قادر است که شقوق مختلف را سبک و سنگین کند (تفکر) و دارای این توانایی ذاتی است که از ابهام بکاهد و هر چیز را تا حد امکان ساده کند. معلمینی که پیرو این دیدگاه گشتالتی هستند صرفاً تدارک بینندگان محیط آموزشی به حساب نمی آیند، بلکه مشارکت کنندگان فعال در رابطه یادگیرنده - معلم هستند. این معلمین به دانش آموزان کمک می کنند تا بفهمند که واقعیتها و اندیشه ها، اجزای یک مفهوم هستند. برای این معلمین، حفظ کردن مطالب گوناگون از سوی دانش آموزان، بی آنکه بر روابط بین آنها پی ببرند، بی معنی است (همان منبع).

عصر انفجار اطلاعات، پیشرفت علم و تکنولوژی و گسترش دامنه علوم مختلف، ضرورت کسب معلومات بادوام تر در زمان کوتاه تر را اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین یکی از وظایف متخصصین تعلیم و تربیت، شناسایی انواع سبک های یادگیری فراگیران جهت یادگیری سریع تر و استفاده بهینه فراگیران از

^۱ - Hergenhahn & Olson

زمان محدود آموزش می باشد که البته این هم در طول تاریخ تعلیم و تربیت مورد توجه متخصصین بوده است. بدون شک همه پیشرفتهای شگفت انگیز دنیای کنونی زاده یادگیری فرد است.

محیط و آنچه در آن است، پیوسته در معرض تغییر قرار دارد و انسان نیز برای هماهنگ شدن با این تغییرات و یا برای مقابله و مبارزه برای درک چگونگی تغییرات و ارائه راه حل های مناسب برای سازگاری و ادامه زندگی پیوسته در تلاش برای یادگیری و افزایش دانش خویش است. از اواخر دهه های سال ۱۹۷۰ بحث در مورد سبکهای یادگیری رونق پیدا کرد. بسیاری از مریبان بر این باورند که سبکهای یادگیری بر خود یادگیری تأثیر می گذارند.

هدف این فصل بررسی سبکهای یادگیری و اشاره به تحقیقات انجام یافته در زمینه موضوع سبکهای یادگیری می باشد؛ همچنین اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف، فرضیه ها، متغیرها و محدودیتهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

هر گروه خاصی از فراگیران، الگوی خاصی از موقعیتهای، ارزشها، سبکهای یادگیری، فشارها و ایده هایی را بوجود خواهند آورد که در شیوه های مختلفی با هم اثر متقابل خواهند داشت تا اینکه جو یادگیری جدید و منحصر بفردی را بوجود آورند. نقش یاددهی^۱ در این موقعیت، تلاش برای غلبه بر این جو به نفع محیط نیست، بلکه اتخاذ برنامه ای برای غلبه بر نیازهای گروه خاص است. در این مورد دستیابی به خود جهت دهی^۲ بیشتر مستلزم توسعه همکاری در محیط یادگیری می باشد که فراگیر چنین درک می کند که آن محیط دموکراتیک، انعطاف پذیر، چالش پذیر و مهمتر از همه غیرتهدید کننده باشد (روبوتم^۳، ۱۹۹۹).

توانایی بالقوه افراد نیز برای شناخت متفاوت است. انسانها در موقعیت یکسان، متفاوت یاد می گیرند که شاید مهمترین دلیل آن سبکهای متفاوت یادگیری آنان باشد. این سبکها تعیین می کنند که در برخورد با یک وضعیت، فرد چه مدت، به چه چیز و به چه میزانی توجه کند. سبکهای شناخت شامل

^۲- Self directed

^۳- Robotham

باورها، اعتقادات، رجحانات و رفتارهایی است که افراد بکار می برند تا در شرایط یادگیری هر چه بیشتر بیاموزند. اما تمام سبکها الزاماً کمک کننده نخواهند بود و حتی ممکن است از برخورد مؤثر با موقعیت اخلاص ایجاد کنند. پس به اعتقاد وول فولک^۴ (۱۹۹۵) سبکهای شناخت را می توان توجه کننده بسیاری از تفاوتهای فردی دانست.

ساموئل میسک اشاره می کند دانش آموزان از نظر گستردگی توجه و در نتیجه وسعت و صراحت آگاهی و اطلاعات با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین نوع ادراک آنها نیز ممکن است کلی یا تحلیلی باشد و توانایی جدا کردن مواد و مطالب از زمینه مطالب را داشته باشند یا صرفاً با توجه به متن و زمینه موجود عمل کنند. بعضی از افراد ممکن است از نظر شناختی، پیچیده و به نحوی چند بعدی بیندیشند یا با توجه به وجوه تمایز مطالب مورد نظر، با مسائل برخورد کنند (کلی، ۱۹۵۵؛ به نقل از کدیور، ۱۳۷۹).

مطالعه تفاوتهای فردی افراد و جنبه های مختلف رفتار و فرایندهای ذهنی، شناختی، انگیزشی و هیجانی بر عهده روان شناسی و بخصوص روان شناسی تفاوتهای فردی می باشد و در مطالعه جنبه های مختلف رفتار آدمی توجه به تفاوتهای فردی ضروری است. تفاوتهای افراد در جنبه های مختلف جسمی، استعدادها، شخصیت، علایق و انگیزش و سبک های شناختی مشاهده می شود. بعلاوه افراد از نظر میزان و سرعت و شیوه های یادگیری نیز تفاوتهایی با یکدیگر دارند. این تفاوتها اهمیت بنیادی در موفقیتهای تحصیلی و شغلی دارند؛ زیرا انجام دادن کار، رفتار فرد را مستقیماً تعیین می کنند. یکی از این تفاوتها همچنانکه اشاره شد، تفاوت در شیوه یا سبک یادگیری افراد و انگیزش می باشد. معلمان کارآمد به تفاوتهای فردی دانش آموزان از لحاظ چگونگی تفکر حساس اند. یک دسته از این تفاوتها در مهارت کلی شناخت فرد، یعنی هوش او نهفته است (هانت، ۱۹۸۸ به نقل از گلاور؛ برونینگ، ۱۹۹۰).

بیان مسأله:

یکی از موضوعاتی که در دهه های اخیر در پژوهشهای آموزشی مورد توجه خاص قرار گرفته، این است که فراگیران با بهره گیری از چه سبکهایی به فراگیری مطالب می پردازند. در این زمینه سبکی چون سبک واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده ابتدا توسط کلب^۵ (۱۹۸۴) شناسایی و مورد توجه قرار گرفت. وی معتقد بود که افراد متناسب با تفاوتهای فردی خود در شناخت از سبکهای متفاوتی استفاده می کنند. ویتیکن^۶ (۱۹۷۷) معتقد است که این تفاوتها کاربردهای مهمی در موقعیتهای آموزشی دارد. با توجه به این نکته هدف پژوهش حاضر مقایسه سبکهای شناختی و رابطه آن با منبع کنترل فراگیران می باشد. به این امید که نتایج حاصل بتواند برای دست اندرکاران دانشگاهها و سایر مراکز عالی رهنمودهایی را در جهت بهبود وضعیت شناختی فراگیران ارائه دهد.

سبکهای شناختی بیانگر سبکهای تفکر هستند. بنابراین هم تأثیر می پذیرند و هم به نوبه خود سایر تواناییهای شناختی را تحت تأثیر قرار می دهند. به عنوان مثال این سبک های شناختی بر روابط اجتماعی و ویژگیهای فردی اثر می گذارند. سبکهای شناختی در سازماندهی و کنترل توجه، تکانه^۷، تفکر و رفتار، آشکار شده و پلی بین ابعاد شناختی، عاطفی و اجتماعی کارکردها برقرار می کنند (مسیک^۸، ۱۹۹۴، به نقل از ولی تژاد، ۱۳۷۹).

سبک یادگیری مفهومی است که رابطه بسیار نزدیکی با سبک شناختی دارد. تمرکز اصلی سبک شناختی بر سازماندهی و کنترل فرایندهای شناختی است در حالیکه سبک یادگیری بر سازماندهی و کنترل راهبردها جهت یادگیری و کسب و دانش تأکید می کند (مسیک، ۱۹۹۴).

⁵ - Kolb

⁶ - Witkin

⁷ - Impulse

⁸ - Messik

هر یادگیرنده دارای سبک یادگیری مخصوص بخود است. فراگیران شیوه های برخورد مختلفی با مسائل دارند. برخی نیاز به کمک دارند تا یاد بگیرند که مشخصه های مهم را جدا کنند و از جزئیات نامربوط صرف نظر کنند و یا ممکن است در موقعیتهای کمتر سازمان یافته سردرگم شوند و به توضیحات قدم به قدم نیاز داشته باشند. بطور کلی برخی از فراگیران راغب هستند محیط را دستکاری کنند و برخی دیگر مایلند به مشاهده همراه با تفکر پردازند و گروهی نیز مایلند دست به آزمایشگری بزنند و برخی نیز به تفکر محض پردازند. پس معنی دار کردن انواع سبکهای یادگیری مهم است تا برای افراد فرصت یادگیری متناسب با شیوه یادگیری فراهم شود (دراپر، ۲۰۰۰).

سبکهای یادگیری را می توان توجیه کننده بسیاری از تفاوتهای فردی دانست و برای درک تفاوتهای فردی بایستی بدنبال چگونگی شکل گیری سبکهای یادگیری بود. فرض بر این است که در محیطهای آموزشی این سبکها ایجاد شوند و شیوه ای که برای آموزش در نظر گرفته می شود، سازمان بندی شناختی فرد را چنان تنظیم کنند که به سبک شناختی متفاوتی برسند (میسیک، ۱۹۹۴).

میسیک (۱۹۹۴) ۱۹ سبک شناختی را توصیف کرده است که کانون توجه پژوهشها قرار گرفته است. وی معتقد است، مطالعه سبک شناختی ریشه در روانشناسی شناختی و نظریه شخصیت دارد. رویکرد شناختی به آن دسته از ویژگیهای یادگیری فراگیران تأکید می کند که مستقیماً نتایج یادگیری را تحت تأثیر قرار می دهند.

چنین فرض می شود که سبک یاددهی تنها متغیری است که سبکهای شناختی را تحت تأثیر قرار می دهد. به همین دلیل مناسب به نظر می رسد قبل از آنکه در جستجوی تناسب تطبیق یا عدم تطبیق سبکهای شناختی و یاددهی باشیم، این سؤال مطرح شود که آیا می توان استراتژی دقیقی را مطابق و همگام با سبک شناختی مورد نظر طراحی کرد که بصورت موقتی هم پایدار نباشد. همچنین باید در نظر داشت، عوامل متعددی وجود دارند که شناخت را تحت تأثیر قرار می دهند و از اینرو انتخاب سبک شناختی مناسب پیچیده تر از آن است که این مطالعات تحقیقاتی نشان می دهند (روبوتام، ۱۹۹۹).

محققین دقیقاً به این سؤال پاسخ نداده اند که چگونه امکان پذیر است رویکرد یاددهی را بدون در نظر گرفتن سطح شناختی به هم مرتبط ساخت، زیرا هیچ گروه واحدی از فراگیران را نمی توان یافت که همگی دارای سبک شناختی مشترکی باشند. از اینرو لازم به نظر می رسد که زیر گروههایی را سازماندهی کرد که یادگیری آنان بر اساس سبک شناختی مشترک و هماهنگ صورت می گیرد. قرار دادن افراد در این گروهها فقط در دوره واحدی از زمان درست خواهد بود. یعنی با گذشت زمان طولانی، ترکیب این گروه بصورت نامناسب درخواهد آمد. بدلیل اینکه افراد داخل گروهی که دارای سبک یکسانی هستند احتمالاً سبک خود را تغییر داده و این تغییر را در سرعت های مختلفی انجام می دهند (همان منبع).

آنچه می تواند امکان پذیر باشد عبارت از بهبود محیط آموزشی است که در سطح تک تک افراد بصورت انعطاف پذیری توسعه می یابد. برای اینکار نیاز به دور شدن از روشهای شرطی سازی محرک- پاسخ ضروری به نظر می رسد که در آن یادگیرنده، بصورت انفعالی برای عملی به شیوه ای برنامه ریزی شده در موقعیت معین آموزش می بیند. در مقابل آنچه لازم است یک روش محرک- پاسخ می باشد که در آن فراگیر بصورت فعال در فرایند یادگیری شرکت می کند. هدف، تسهیل قدرت دهی و توسعه آگاهی و تحویل ساختار مناسب مواد آموزشی است. در این صورت فراگیر خود می تواند استراتژی های آموزشی و انعطاف پذیر مطابق با نیازها برای بهینه سازی کیفیت تجربه یادگیری تلفیق کند. این هدف در جایی قابل دستیابی خواهد بود که در آن فراگیر یک استراتژی جهت دهی را بعنوان یک سبک در نظر گیرد. می توان گفت در حالیکه فراگیران در تلاش برای غلبه بر عدم تشابه های اولیه با مطالب ارائه شده هستند، برنامه تطبیق روش مناسبی خواهد بود و زمانیکه توانایی و مهارت فراگیر افزایش می یابد، استفاده از عدم تطبیقهای سیستماتیک میان سبکهای شناختی و یاددهی می تواند به توسعه سبکهای یادگیری وسیعتر منجر شود (کلب، ۱۹۸۴).

از لحاظ تئوری می توان چنین در نظر گرفت که اگر انتخاب سبک بصورت آگاهانه صورت بگیرد و در مراحل اولیه کاملاً چالش انگیز به نظر رسد، توسعه یادگیری افزایش خواهد یافت. از سویی مؤلفه مهم

در توسعه این امر، ترغیب فراگیر برای اتخاذ سبک خاص و مورد نظر می باشد. بدین معنا که افزایش توانایی برای انتخاب یک سبک خاص از بین انواع مختلف بر طبق نیازهای موجود و بر طبق توانایی و ظرفیت یادگیری بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد.

از سوی دیگر، محیط آموزشی نه تنها باید به افزایش میزان یادگیری در یک موقعیت خاص پردازد، بلکه باید جایگزینی تحلیل گر برای توسعه یادگیری خود جهت داده شده باشد و این دارای اهداف و محتوای دوره ای خاص است. این امر را می توان با در نظر گرفتن توسعه مهارت‌های اساسی چگونگی یادگیری، چگونگی بهبود و چگونگی بدست آوردن مهارت خود جهت دهی را نیز بدست آورد. در این فرایند، ایجاد موانع از طریق استفاده از استراتژیهای خود جهت دهی، مفید به نظر می رسد. آزادی فراگیر در تعیین و طراحی استراتژی های شناختی و یادگیری از طریق کوشش و خطا در توسعه مهارت خود جهت دهی بسیار مؤثر است (روبوتام، ۱۹۹۹).

در تلاش برای آغاز فرایند خود جهت دهی باید این مسائل مورد نظر قرار بگیرد: چه چیزی فراگیر را مجبور می سازد تا خود جهت دهنده باشد؟ فرایندهایی که از طریق آنها فراگیر به خودآگاهی می رسد کدام ها هستند؟ فرایندهای کلیدی که مسیر خودجهت دهی و رسیدن به اهداف را تسهیل می نمایند کدامها هستند؟ اثر محیط اجتماعی و فیزیکی بر یادگیری و سبکهای شناختی چیست؟

حال با اذعان به این نکته که هدف غایی کلیه فعالیتهای آموزشی و پرورشی در مراکز آموزشی و دانشگاهی، یادگیری در غالب سه بعد دانش، نگرش و کنش می باشد و لذا توجه به سبک های یادگیری و نقش آن در پیشرفت تحصیلی گامی خواهد بود در راستای رسیدن هر چه بهتر به اهداف تعلیم و تربیت در تمامی مقاطع تحصیلی و نیز جلوگیری از افت تحصیلی و به تبع آن جلوگیری از آسیب های روانی، اجتماعی، اقتصادی و.... که عارض دانش آموزان و پیکره اجتماع می گردد.

بر این اساس در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ سؤالات زیر هستیم:

- ۱- آیا بین سبک های یادگیری دانش آموزان بر اساس جنسیت و رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا بین سبک های یادگیری دانش آموزان با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق:

پژوهش حاضر از چند نظر برای برنامه ریزی و فرایند یاددهی و یادگیری آموزشی و پرورشی از اهمیت بنیادی و کاربردی برخوردار است:

۱- پژوهش ریچ و استیونس^۹ (۱۹۹۶، به نقل از ولی تژاد، ۱۳۷۹) نشان می دهد که سبک شناختی پیش بینی کننده بهتری برای پیشرفت درس ریاضی می باشد. بنابراین شناخت سبکهای یادگیری دانش آموزان و استفاده از آن جهت هدایت تحصیلی آنها به رشته های مختلف تحصیلی از اهمیت اساسی برخوردار است.

۲- تحقیق الیوت، لآوری و وینستون (۱۹۸۵، به نقل از رضایی، ۱۳۷۸) نشان می دهد که دانشجویانی که دارای سبک کلی نگر (وابسته به زمینه) هستند در رشته اقتصاد موفقیت بیشتری کسب می کنند لذا شناخت نوع سبک شناختی دانش آموزان می تواند در آینده تحصیلات دانشگاهی آنها مؤثر واقع شود.

۳- شناسایی سبک یادگیری شناختی دانش آموزان دختر و پسر می تواند به برنامه ریزان آموزشی و دزسی کمک کند تا محتوای دروس مدارس را بر اساس یادگیران شناختی مبتنی بر جنسیت تنظیم کنند.

۴- روان شناسان بر این باورند که بهترین روشهای آموزشی آنها هستند که بر اساس نیازها و امکانات بدنی و روانی یادگیرندگان تنظیم و اجرا گردند نه آنهایی که شاگردان مختلف را وامی دارند تا خود را با روش آموزشی خاصی سازگار نمایند. بنابراین شناخت سبک یادگیری شناختی و عملکرد تحصیلی می تواند در بهبود فرایند تدریس مؤثر واقع شود.

⁹-Reach and Stevens

۵- شناخت سبک یادگیری شناختی می تواند به معلمان کمک کند تا بتوانند پیشرفت تحصیلی و مدیریت کلاسی را بهبود بخشند.

۶- شناخت نوع سبک یادگیری شناختی از سوی دانش آموزان می تواند به آنها کمک کند تا انتخاب رشته تحصیلی آموزشی و دانشگاهی خود را بر اساس آن قرار دهند. چنانکه ادبیات تحقیق نشان می دهد نوع سبک یادگیری شناختی پیش بینی کننده بهتری برای موفقیت تحصیلی می باشد.

۷- معلمان بایستی به این نظر حساس باشند که برای یک برنامه آموزشی مفروض همه دانش آموزان بطور یکسان یاد نمی گیرند، یک راه حل برای این مشکل فراهم کردن مقیاسهای فردی کوچک از روش مختلف آموزشی است تا بدین وسیله سبک شناختی هر دانش آموزان در یک موقعیت خاص بتواند با آن منطبق شود بخصوص زمانیکه روشهای مرسوم (سنتی) توأم با موفقیت نباشد (مایر، ۱۹۸۶، ترجمه، فراهانی، ۱۳۷۵).

۸- نتیجه این تحقیق می تواند علاوه بر پژوهشگران و محققان، برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت و تربیت معلم (مدارس، معلمان، دانش آموزان و دانشجویان) و به طور کلی وزارت آموزش و پرورش و دیگر مؤسسات علمی و آموزشی و دانشگاهی، مفید واقع شود.

اهداف تحقیق:

هدف کلی در پژوهش حاضر عبارت است از:

- ۱- مقایسه سبک های یادگیری دانش آموزان پایه سوم شهرستان ماکو در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.
- ۲- شناسایی رابطه سبک های یادگیری با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ماکو در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.

اهداف جزئی پژوهش حاضر عبارت است از:

- ۱- مقایسه سبکهای یادگیری دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهرستان ماکو در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.